

دوستانی که خواب خود را تلگرام می کنند، لطفاً مشخصات خود را کامل بنویسند و مطمئن باشند که خوابها به نوبت در مجله چاپ می شود.



**دو یاد آوری مهم درباره تعبیر خوابها:** ۱- همه اسامی مستعار است و اگر مشخصاتی که برای بینندگان خواب می نویسم، مانند مشخصات فرد دیگری بود، تصادفی است. اگر کسی می خواهد خوابش چاپ نشود، حتماً تأکید کند که چاپ نشود! ۲- دوستانی که برای تعبیر خواب خود تلفن می کنند، لطفاً فقط یکشنبه‌ها و سه‌شنبه‌ها بین ساعت ۱۵ تا ۱۷ با شماره ۲۹۹۹۳۳۳۴ تماس بگیرند و خواهش می کنم شماره‌های دیگر مجله را اشغال نکنند.

**هشدار مهم:** خواب خود را قبل از این که برایتان تعبیرش کنم، برای کسی تعریف نکنید زیرا شاید در خواب شما رازهایی باشد که وقتی که تعبیرش را نوشتیم، کسانی که خواب را از خودتان شنیده باشند، خواهند فهمید آن رازها مال شماست و خوشتان نیاید.

## بوی بهشت بیاورید!

ساغر بهمنی، ۳۳ ساله، متأهل، خانه‌دار، تویسرکان

بیشتر خوابهایم تعبیر می شود. دیشب دیدم در ایوان هستم. زن داداشم پیشم بود. هوا خوب بود ولی یکهو ابری شد. در آسمان موجودات سیاه رنگی نمایان شدند که پر داشتند. به بزرگی بوقلمون بودند. پرسیدم اینا چی هستن؟ ندا آمد از اینها هر چه خواهی، به تو می دهیم. آن موجودات کمی پایین تر آمدند. در دلم گفتم این که خدا نبود! ندا آمد اینها فرشته هستند. آنها باز هم پایین تر آمدند. بعد از هر ندا پایین تر می آمدند. چشمهای آنها را دیدم. بعضی‌ها ترسناک و بعضی‌ها معمولی بودند. به خودم گفتم فرشته باید خوشگل باشد چرا اینها فرشته هستند؟ بعد از حرفی که زدم توبه کردم و گفتم اینها می توانند خواسته مرا به خدا برسانند. بعد خواسته‌ام را گفتم. آنها هم چیزی به دستم دادند. زن داداشم گفت همه‌ش دروغه. از نشون چیزی نخواه. آنها باز هم بر ایم چیزی انداختند. نورانی و خوشگل بود ولی وقتی به دستم رسید، دیدم خوشگل نیست. بار سوم گفتم از آنها چیزی می خواهم اگر دادند، فرشته هستند. و گفتم بوی بهشت را بر ایم بیاورند. یکهو همگی غیب شدند و بیدار شدم.

**تعبیر:** [سؤال: آخرین بار کی بود که فیلم تخیلی یا وحشتناک دیدید؟ جواب: از این جور فیلمها زیاد می بینم.] این خواب می گوید باینکه از سیکل بیشتر درس نخوانده‌اید، هوش و دقت خوبی دارید. شک کردید که چرا فرشته‌ها سیاه و بدتر کیب و ترسناکند. هدیها آنها را ارزیابی کردید و دیدید زیبا نیستند و باز شک کردید و خواستید آنها را امتحان کنید و آنها گر بختند. این شک‌ها خوب است چون شما را به یقین رساند که آنها فرشته نیستند. شما با خودتان فکر کردید که فرشته‌ها مشخصاتی دارند اما آن موجودات پرنده، فاقد آن مشخصات بودند. زن داداش نظر شما را تأیید نمی کند و از اولش یقین داشت که فرشته نیستند. به شما هم گفت از آنها چیزی نگیر. و این ضمناً یعنی زن داداش به شما مسلط است. این خواب می گوید شما حاجت خاصی ندارید ولی چون زیادی کنجکاو هستید، خواستید بدانید جریان فرشته‌ها چیست به همین دلیل همینجوری خواسته‌ای به زبان می آورید. شما آن خواسته را به یاد نمی آورید و نتیجه می گیریم که دغدغه شما نبوده. در آخرین امتحان بوی بهشت می خواهید و در خواب معلوم نیست که مگر خودتان بوی بهشت را قبلاً شنیده بودید که بتوانید آن را تشخیص بدهید؟ این خواب یک بخش دیگر هم دارد: آنجا که پس از اولین شک، توبه کردید. و این یعنی باینکه باهوشید، اهل خرافات هم هستید چون وقتی که موجودی را که مشخص است فرشته نیست، انکار کردید. زود پشیمان شدید و گفتید شاید فرشته باشد. این هم یعنی گاه به شکهای خودتان هم شک می کنید. فیلمهای وحشتناک هم در دیدن این خواب مؤثر هستند.

## رفتیم پیش دعانویس

زینت آبخانی، ۳۸ ساله، متأهل، خانه‌دار، قزوین

خواب دیدم با شوهرم رفتیم پیش دعانویس. صورت او یک تکه سفید بود و یک تکه پوست خودش. دیدم پوست صورت شوهرم هم دارد مثل او می بشود. دعانویس به من گفت مشکل تو پیش یه حاج آقای حل میشه که تو گیلانه. گفتم من مشکل ندارم. خواستم از آنجا بروم که شوهرم با سرعت خیلی زیاد از کنارم رد شد. ترسیدم و داد کشیدم ولی صدایم شنیده نمی شد. یک آقای چهار دست و پا آمد طرفم. من از هراس جیغ می کشیدم اما صدایم شنیده نمی شد.

**تعبیر:** خواب شما این راز را افشا می کند که به همسرتان اعتماد ندارید و معتقدید به شما وفادار نیست. در خواب شما کسی که مایل است پیش دعانویس برود، خودتان هستید نه همسرتان. چرا؟ زیرا خواب را شما دیده‌اید و قصه‌اش را ذهن شما نوشته اما چون نمی خواهید کسی بفهمد

به دعانویس اعتقاد دارید، در خواب رفتن به آنجا اگر دن همسرتان می اندازد. آنجا که دعانویس می گوید باید پیش فلانی در گیلان بروی، به این معنی است که معتقدید مشکل خیانت همسرتان برای شما خیلی بزرگ است و به دست هیچکس غیر از یک دعانویس خیلی خبره حل نمی شود. پوست صورت او و همسرتان نماد ترسهای شماست از جنس مذکر. شوهر ناگهان می رود. نماد این است که نگرانید هر آن همسرتان شمارا ترک کند. آن مردی که چهار دست و پا آمد، نماد ناامنی‌هایی است که حس می کنید و نماد اینکه اگر همسرتان برود به چه بلایایی که گرفتار نخواهید شد. به نظر می آید به وسواس و گفت و گوی ذهنی دچار هستید. فراموش نکنید که از هر چه که بترسید، سرتان می آید. ما باز تاب افکار و تصورات خودمان را می بینیم. این موضوع دلایل علمی خودش را دارد که طولانی است. پیشنهاد می کنم درباره عقاید خودتان تجدید نظر کنید. سر نوشت و تفسیر زندگی خودتان را به جادوگران نسپارید. هر کس نتیجه اعمال و عقاید و شرایط و امکانات خودش است و اگر می خواهید زندگی و شخصیت شما سامان ببینند، احساسات و نفسانیات خودتان را کنترل کنید و از روی عقل تصمیم بگیرید.

## ما را از سبب فرار کرد

مینا نهری، ۵۴ ساله، متأهل، خانه‌دار، کاشان

خواب دیدم در خانه بودم. دختر کوچکم هم بود. پانزده ساله است. توی خانه‌ما زیر یک کلاه نظامی بود. گمان کنم مال مر حوم شوهرم بود. سبدر ویش بود. ما ترس نداشتیم. یکهو ما را سبدر انداخت و بیرون آمد. نگاهش کردم. گفتم باید به او غذا بدهم. گناه دارد. از بس درس خوانده، چشمهایم هم ضعیف شده. با خودم فکر می کردم که چه میوه‌ای برای ضعف چشم ما را خوب است. دیدم ما رفت طرف دخترم. چشم غره رفتیم و گفتم باید او را از خانه بیرون بیاوریم. بیدار شدم.

**تعبیر:** از این خواب یاد ما در آستین پروردن افتادم. [سؤال: آیا در خانه شما غیر از خودتان کس دیگری هم هست که احتمالاً جوان باشد؟ جواب: برادرزاده مر حوم همسرم مدتی است دانشجو شده و به کاشان آمده. روزهای تعطیل به خانه ما می آید. سؤال: عینکی است؟ جواب: بله!] تعبیر خواب مشخص شد: آن مار نماد همین جوان است. کلاه مر حوم همسرتان نماد حرمتی است که آن مر حوم دارد: اگر خودش نیست، اسمش هست و حامی خانواده است. ما را از زیر کلاه بیرون می آید و حرمت را می شکنند. اول دلتان برایش می سوزد بعد که سمت دخترتان می رود، خطر را حس می کنید و تصمیم می گیرید بیرونش کنید. [گفت: حالا که تعبیر کردید، متوجه شدم می‌باید دلیل به دخترم محبت می کند. یک بار هم دیدم زیر چشمی به دخترم نگاه می کرد.] یاد آوری می کنم که ممکن است اینها فقط تصورات شما باشد و آن جوان حرمت کلاه را نگه دارد.